

تاریخ هزاره سوم با نام امام خمینی و مردم ایران ورق می خورد

(مصاحبه با بیژن نوباوه، نماینده مجلس شورای اسلامی)

اشاره:

آقای بیژن نوباوه، نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس است. ایشان در سال ۱۳۳۸ در جنوب شهر تهران در یک خانواده مذهبی متولد شد و تحصیلات خود را عمدتاً در رشته فیلمبرداری سینما و تلویزیون به انجام رساند. آقای نوباوه حدود ۳۰ سال است که به خبرنگاری اشتغال دارد و در حوزه رادیو و تلویزیون منشاء خدمات بسیاری بوده است و اینک علاوه بر تدریس در دانشکده صدا و سیما، به عنوان مدیر مسئول روزنامه "عصر ایرانیان" فعالیتهای خود را ادامه می دهد. نوباوه با شروع جنگ تحمیلی به جبهه های جنگ شتافت و علاوه بر تهیه گزارشهای دقیق و مفصل و تصویر برداریهای ماندگار از صحنه های نبرد و رزمندگان اسلام، خود به عنوان یک رزمنده سلاح بدست گرفت و در کنار سایر رزمندگان به دفاع از میهن و نظام اسلامی پرداخت و در این راه صدمات بسیاری متحمل شد و بخصوص در معرض آتش سلاحهای شمیایی دشمن قرار گرفت و سلامت خود را از دست داد که هنوز هم آثار آن صدمات و جراحات، مشهود است. مصاحبه ای با ایشان انجام داده ایم که متن ویرایش شده آن در پی می آید.

حضور: ضمن تشکر، در ابتدا مناسب است اشاره ای به خاطرات جبهه بفرمایید و چگونگی
علاقه مندی خودتان به حضور در عرصه های دفاع مقدس را توضیح دهید.
آقای بیژن نوباوه: اولین عشق و علاقه های من به دفاع از میهن توسط شهید چمران شکل





□ قبل از اینکه بخواهیم به تاریخ ایران نگاه کنیم باید به تاریخ آدمهای ایران نگاه کنیم

□ امام یک فرد بی تکلف، ساده، روان و صالح بود. حرف‌های وی حرف مردم بود. همین الان هم که به حرف‌های امام گوش می‌کنیم متوجه می‌شویم که سخنان وی بی نظیر است

گرفت. مدت‌های زیادی با وی بودم و از شهید چمران درس‌های زیادی گرفتم. آخرین عکس‌ها و مصاحبه‌هایی که از شهید چمران وجود دارد همگی توسط اینجانب گرفته شده است و ده روز قبل از شهادت شهید چمران در منطقه دهلاویه با وی مصاحبه داشتم. همچنین جا دارد از همین تریبون از مرحوم علی اکبر ابوترابی که چندین سال در اسارت بود یاد کنم چرا که به نظر من افراد نظیر وی را ما اصلاً نداریم. در آن اوایل جنگ من اصلاً وی را نمی‌شناختم. در منطقه دب حردان مشاهده کردم که وی با کلکی که درست کرده بود روی آب با قایق حرکت می‌کرد و در طول هر شب فقط یک بار به سمت مواضع عراقی‌ها شلیک می‌کرد و یک تانک یا نفربر را می‌زد. در این شرایط عراقی‌ها فکر می‌کردند که کماندوهای ایرانی حمله کرده‌اند و هزاران گلوله به سمت اطراف شلیک می‌کردند. نیروهای بعثی به خاطر حرکت مرحوم ابوترابی همیشه در رعب و وحشت بودند. مرحوم علی اکبر ابوترابی واقعاً انسان بزرگی بود و شخصیت عجیبی داشت. از

برخی شواهد من احساس کردم که وی روحانی است و وقتی که از دوستان در این خصوص سؤال کردم آنها تایید کردند که وی یک روحانی است. وی چندین سال را در اسارت سپری کرد و بعد از جنگ به عنوان نماینده وارد مجلس شد و خاطرات زیادی از وی منتشر شده است.

در خصوص شهید چمران هم لازم است ک بگویم حدود ۴۰ نفر از افرادی که در جنگ‌های چریکی با شهید چمران بودند ۹۰ درصد آنها به شهادت رسیدند که می‌توان به شهید محسن الهی که با شهید چمران در دانشگاه برکلی آمریکا تحصیل کرده بود و ناصر حاج فرج‌الله اشاره کرد. من جزء جا مانده‌های همراهان شهید چمران بودم ک توفیق شهادت نداشتم. در طی هشت سال جنگ به جرأت می‌توانم بگویم که در تمامی عملیات‌های بزرگ شرکت داشته‌ام و فقط در یکی یا دو عملیات از جمله عملیات رمضان و طریق‌القدس که در منطقه چذابه بود شرکت نداشتم. دلیل عدم حضور در این دو عملیات هم این بود که برای کار خبری به کشورهای خارجی اعزام شده بودم. در عملیات بیت‌المقدس بیشترین فعالیت خبری را داشتیم. فیلم‌هایی که در عملیات بیت‌المقدس وجود دارد توسط گروه ما تهیه شده که می‌توان به پل آزادی اشاره کرد. در این عملیات حدود ۳۵ روز در جنگ بودیم و حتی زمانی که فتح خرمشهر انجام شد قرارگاه خبر نداشت که ایران توانسته خرمشهر را آزاد کند. وقتی که از خرمشهر بیرون آمدم و به قرارگاه رفتم بچه‌های خرمشهر باورشان نمی‌شد که خرمشهر آزاد شده است.

حضور من در عملیات‌های جنگی تا عملیات فاو ادامه داشت. آخرین عملیاتی که بدترین عملیات هم بود عملیات مرصاد بود. در آن شرایط کمتر کسی به جبهه می‌آمد به دلیل اینکه قرارداد ۵۹۸ بین ایران و رژیم بعث عراق امضا شده بود. من در منطقه جنوب قرار داشتم که به یکباره منافقین به منطقه کرمانشاه حمله کردند و من فوراً به منطقه رفتم. در آن موقع عملیات مرصاد شروع شده بود. تنها فیلم‌هایی که از عملیات مرصاد به جا مانده فیلم‌هایی است که من به اتفاق دوستانم گرفته‌ام و بخشی از آن فیلم‌ها هم توسط ابراهیم حاتمی‌کیا، کارگردان معروف سینما تهیه شده است. در آن شرایط در منطقه حضور داشتیم تا موفق شدیم منافقین را از منطقه سر پل ذهاب بیرون کنیم.



□ با اسرا گفتگو کردم که همه اسیران می گفتند ما نوکر امام خمینی هستیم

□ امام باعث شد که یک جهش بزرگ رسانه ای در رسانه های ایران شکل بگیرد

به اعتقاد من جنگ تحمیلی نقطه عطفی در تاریخ ایران بود. به نظر من قبل از اینکه بخواهیم به تاریخ ایران نگاه کنیم باید به تاریخ آدم‌های ایران نگاه کنیم. همیشه خوشحال هستم که شکل‌گیری شخصیت ما، در زمان اوایل انقلاب بود. با وجود امام، انقلاب یک شخصیت خیلی متعالی به مردم ایران اهدا کرده بود.

حضور: امام خمینی در فعالیتهای جهادی شما چه نقشی داشت؟

نوباوه: بزرگترین لطف خداوند این بود که امام در مملکت ما قرار داشت. اگر بخواهند به من بگویند که عشق را معنا کن باور کنید که من عشق به فرزند را در آن شرایط در درجه دوم عشق می‌دانستم و در آن زمان عشق به امام را بالاترین عشق می‌دانستم. من امام خمینی را بسیار دوست داشتم و فکر می‌کنم که اکثر جوانان در اوایل انقلاب این احساس را داشتند. امام یک فرد بی‌تکلف، ساده، روان و صالح بود. حرف‌های وی حرف مردم بود. همین الان هم که به حرف‌های امام گوش می‌کنیم متوجه می‌شویم که حرف‌های وی بی‌نظیر است. انگار که این حرف‌ها برای تاریخ زده شده است. به خاطر عشق ویژه‌ای که به امام داشتیم من اوایل انقلاب خیلی فعال بودم. من در آن شرایط وارد ساختمان نخست‌وزیری شدم و دو کلت و یک اسلحه یوزی با خودم آوردم. در روزهای ۲۰ و ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ چندین پادگان نظامی از جمله پادگان حر و سی‌متری جی که نزدیک فرودگاه تهران بود را به تصرف درآوردیم. من در آن دوران حتی بلد

نبودم که با اسلحه یوزی شلیک کنم و نمی دانستم چه گلوله‌ای به آن می خورد اما اسلحه و مسلسل را در دستم می گرفتم و آن را به این طرف و آن طرف می چرخاندم و به خاطر این حرکات سربازها فرار می کردند. این همه شجاعت به خاطر روحیه خاصی بود که امام به ما داده بود در حالی که من اصلاً همچون توانایی‌هایی نداشتم و هیچ شناختی هم از اسلحه نداشتم.

بعداً مسئله جنگ پیش آمد که برای من یک تجربه بسیار بزرگ بود. بعد از اینکه شهید چمران به شهادت رسید احساس وظیفه من بیشتر شد و در همه عملیات‌ها حضور پیدا می کردم که مهمترین آن عملیات فتح‌المبین بود. بعد از شکستن حصر آبادان و عملیات فتح‌المبین پیروزی‌های زنجیره‌ای ما شروع شد. سخت‌ترین ماموریتها را به لطف خدا پشت سر گذاشتیم. خیلی وقت‌ها فکر می کنم که چگونه در آن شرایط زنده مانده‌ام در حالی که بسیاری از دوستان در کنار من شهید شدند. شاید این یک مشیت الهی بود که من زنده بمانم و بتوانم کارهای خبری جبهه را انجام بدهم و مستندات جنگ را تهیه کنم. گزارش‌هایی که تهیه می کردیم برای مردم یک ضرورت بود.

در این دوران بیش از چند هزار دقیقه فیلم مستند، صدها گزارش خبری و گزارش جنگی تهیه کردم. همچنین ۱۲۰۰ دقیقه مستند جنگی که خودم در آن عملیات‌ها حضور داشته‌ام تهیه کردم. بزرگترین فیلم من پل آزادی بود که به اتفاق دو تا از دوستان خیلی خوبم به نام محمود داوودی و بهروز حامد صابری تهیه کردیم. تمام تصاویری را که از عملیات بیت‌المقدس پخش می شود ما تهیه کردیم و ۸۰ درصد تصاویر مستندی که از جنگ پخش می شود توسط گروه خبری ما تهیه شده است.

خلاصه، عشق به امام خمینی عشقی بود که ما اعتقاد داشتیم امام همه چیز را می بیند. من فکر می کردم هر کاری که انجام می دهم برای امام است. در سال ۱۳۶۱ که ازدواج کردم خطبه عقد ما را امام خواند. من به همراه همسر و پدر همسرم به خدمت امام رفتم و وی خطبه عقد ما را جاری کرد. وقتی که به خدمت امام رسیدیم از نوع نگاه امام متوجه شدم که ایشان مرا شناخته است. افرادی که این ملاقات را هماهنگ کرده بودند از دوستان رسانه‌ای بودند که در محضر امام

حضور داشتند و فکر می‌کنم که آنها از قبل این موضوع را به امام گفته بودند. امام پس از دیدن من لبخندی زدند و پس از اینکه خطبه عقد را جاری کردند چند جمله در گوش من گفتند و به من توصیه کردند که در زندگی با هم بسازید و زندگی خوبی داشته باشید. به خاطر این توصیه امام من همیشه سعی می‌کنم که به این جمله امام عمل کنم تا در آن دنیا جلوی امام روسفید شوم.

حضور: لابد- همان طور که اشاره کردید- امام خمینی در جریان فعالیتهای جبهه ای شما

بودند؟

نوباوه: در عملیات والفجر ۸ که عملیات بسیار سختی بود شهید غلامرضا رهبر که داخل قرارگاه بود به من گفت که یک ماموریت سخت برای شما دارم. من به وی گفتم که همه ماموریت‌های جنگ سخت است اما شهید رهبر به من گفت که این یکی از ماموریت‌های ویژه و سخت است. وی گفت که سه گروه برای نبرد رفته‌اند اما هر سه گروه مجروح شده‌اند و تعدادی هم شهید شده‌اند و نتوانسته‌اند کاری از پیش ببرند. ما چرا از این قرار بود که نیروهای ماهر عبدالرشید که ریاست گارد ریاست جمهوری عراق را بر عهده داشت از سمت جاده بهار حمله کرده بودند و به موازات رود اروند به سمت ما می‌آمدند. با اینکه آن منطقه یک منطقه عجیب و غریب بود نیروهای ایرانی خیلی خوب جنگیده بودند. شرایط به گونه‌ای بود که به محض ورود ما به منطقه و پس از گذشت ۱۰ ثانیه به آن محدوده، نیروهای بعضی به ما شلیک کردند و ما را مورد حمله قرار دادند. آن منطقه اوج کار گزارش من بود. در آن منطقه حدود ۲۰ تانک به سمت ما حمله کردند و رزمندگان ایرانی این تانک‌ها را قلع و قم کردند. در آن لحظه گزارشی را تهیه کردم و جملائی را که بر زبان آوردم خیلی جالب بود. گفتم اینجا قتلگاه تانک‌ها، زره‌پوش‌ها و ادوات جنگی ارتش بعث عراق است. تعدادی از عراقی‌ها را اسیر کردیم و با اسرا گفتگو کردم که همه اسیران می‌گفتند ما نوکر امام خمینی هستیم. این گزارش در عملیات فاو تهیه شده بود. در آن عملیات به سختی توانستیم به عقب برگردیم و خداوند لطف کرد توانستیم فیلم‌های ضبط شده را برای پخش به تهران برسانیم. تهیه این گزارش شاید یکی از بهترین کارهای جنگی من بود. فردای

آن روز شهید رهبر به من گفت که حاج احمد آقا با قرارگاه تماس گرفته‌اند و از قول امام از ما تشکر کرده‌اند. آن فیلم صدها بار از تلویزیون پخش شده و یکی از کارهای برجسته گروه خبری ما به شمار می‌رود. عراق در همان روزها ادعا کرده بود که ما فاو را گرفته‌ایم در حالی که آن فیلم نشان می‌داد که چگونه ارتش عراق در مقابل نیروهای ایرانی از بین رفتند و مجبور به عقب‌نشینی شدند. در آن موقع عراق در منطقه فاو از بمب شیمیایی استفاده کرد و ما اصلاً راه فرار نداشتیم چرا که بمب شیمیایی را پشت سر نیروهای ایرانی و جایی که ما مستقر بودیم انداخته بود و اگر می‌خواستیم به عقب برگردیم باید وارد منطقه شیمیایی می‌شدیم. فکر می‌کنم در منطقه فاو و در آن عملیات شیمیایی شدم. بسیاری از افرادی که به طور سریع شیمیایی شدند خیلی شانس آوردند چرا که خیلی زود برای درمان به بیمارستان منتقل شدند و خدمات درمانی بر روی آنها انجام شد اما برخی از افراد از جمله من به طور آرام و بدون اینکه خودمان متوجه شویم شیمیایی شدیم. ما بو را استشمام می‌کردیم ولی متوجه شیمیایی شدن خودمان نمی‌شدیم. ماسک می‌زدیم و راه می‌رفتیم ولی توان دویدن نداشتیم. برای اینکه بتوانم گزارش تهیه کنم مجبور بودم ماسک را بردارم. چفیه را خیس می‌کردم و روبروی دهان قرار می‌دادم تا بتوانم حرف بزنم و گزارش تهیه کنم. بعدها فهمیدم که خیس کردن چفیه کار بسیار مضر بوده به دلیل اینکه عوامل شیمیایی در محیط مرطوب راحت‌تر وارد بدن می‌شوند. البته در کربلای ۵ هم که رژیم بعث از بمب شیمیایی استفاده کرد همین شرایط حاکم بود و من مجبور بودم بدون ماسک گزارش تهیه کنم. بعد از جنگ میکروب‌های شیمیایی آنقدر در بدن من زیاد بود که هر کدام قسمتی از بدن مرا آلوده کرد و بیشترین آسیب به ریه‌های من وارد شد. بعد از پایان جنگ همه مردم ایران یک تجربه‌ای از رزم و رزم‌آوری و جنگ داشتند و تجربه جنگی من برای کار خبری و مستندسازی تجربه بی‌بدیلی بود.

زمانی که امام حضور داشت بزرگترین نقطه عطف انقلاب ما امام بود. بعد از گذشت ۲۰ سال از رحلت امام، کار رهبری طی این مدت بسیار سخت بود. به دلیل مشکلات متعددی که در کشور به وجود آمده و از طرفی دشمنان اسلام هم خواسته‌اند در بین اقشار جامعه شکاف ایجاد



□ امام از نظر جامعه‌شناسی یک فرد بسیار آگاه بود و رسانه‌ها را خیلی خوب می‌شناخت و بسیار مطلع و هوشمند بود

□ امام بخوبی جنگ نرم علیه آمریکا را هدایت کرد. نفوذ ایران در جنگ نرم علیه آمریکا قدرتمندانه بود

کنند. در طی این مدت مقام معظم رهبری بیشترین، سنگین‌ترین و خطرناک‌ترین شرایط را مدیریت کرده و من خیلی خوشحال هستم نتیجه انقلاب اسلامی را پس از گذشت ۳۲ سال از انقلاب می‌بینیم و شاهد فروپاشی نظام‌های دیکتاتوری در منطقه هستیم که همان تعبیر پیام امام است. به نظر من امروز باید به مردم ایران تبریک گفت چرا که حرف‌های امام محقق شده است و اسلام دارد صورت حقیقی خودش را نشان می‌دهد.

حضور: باز هم اگر در باره دیدار با امام مطالبی در خاطرتان مانده است بیان بفرمایید.
نوباوه: در آن شرایط رفتن خدمت امام یک آرزو بود. ولی به دلیل اینکه به لحاظ کاری با دفتر امام ارتباط داشتیم از طریق دوستان رسانه‌ای این جلسه را هماهنگ کردیم. هنگامی که اطلاع پیدا کردم با این ملاقات موافقت شده از آنجا که خانواده همسر من یک خانواده بسیار متدین و خط امامی هستند از این موضوع بسیار خوشحال شدند. پدر همسر من گفت که بزرگترین دستاورد من در زمان انقلاب دیدن امام از نزدیک و بوسیدن دستان امام بود. این رویداد برای ما یک حادثه بسیار بزرگ بود به ویژه آنکه در آن حال و هوا امام را ملاقات کردیم و ما حس بسیار عجیبی داشتیم. باور کنید اگر در زندگی اختلاف نظری بین من و همسر من پیش می‌آمد من هنگامی که به آن لحظه

مهم دیدار با امام و جملات امام در خطبه عقد می افتادم سکوت می کردم و سعی می کردم چیزی نگویم. من مطمئنم که امام صورت درون آدم‌ها را می دید. به نظر من برکت عقد امام بود که امروز بعد از گذشت ۲۸ سال از ازدواج ما آن شرایط و حال و هوای اوایل انقلاب را فراموش نکرده‌ایم و هنوز هم احساس بسیار عجیبی از جنگ و آن دوران داریم.

حضور: بعد از جنگ چگونه به فعالیتهای انقلابی و اعتقادی خود ادامه دادید؟

نوباوه: اولین ماموریت من پس از جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷ بود که به پاکستان رفتم. تا سال ۱۳۷۱ در آنجا حضور داشتم و آن ماموریت تجربه خیلی خوبی بود. بعد از آن حدود یک سال و نیم به انگلیس اعزام شدم و در دفتر واحد مرکزی خبر در لندن فعالیت می کردم. به دلیل عدم همکاری دولت انگلیس در دادن ویزا، مجبور به ترک آن کشور شدم. ویزای من را یک ماه یک ماه تمدید می کردند و خیلی مرا اذیت کردند اما برخی افرادی که دولت انگلیس نسبت به آنها راغب تر بود ویزای سه ساله برای آنها صادر می کرد.

حضور: به نظر شما علت این حرکت دولت انگلیس چه بود؟

نوباوه: انگلیسی‌ها در کارهای جاسوسی و شناخت افرادی که می تواند برای آنها خطرناک باشد خیلی حساس هستند. آنها عناصری را که نامطلوب تشخیص می دهند به سادگی آنها را رها نمی کنند و به راحتی برای آنها ویزا صادر نمی کنند. موقع ورود به فرودگاه حداقل شش ساعت مرا معطل کردند. آنها علاقه‌ای نداشتند که به من ویزا بدهند اما از آنجا که انگلیس در ایران دفتر خبری داشت و آن دفتر هم فعال بود نمی توانستند به من بگویند که به انگلیس نروم. این شرایط من در انگلیس با جنگ در بوسنی هرزگوین مصادف شد که سال ۱۳۷۳ بود. تا زمان پایان جنگ صربستان با بوسنی هرزگوین من در بوسنی مستقر بودم و در آنجا گزارش‌ها و خبرهای زیادی تولید کردم.

در سال ۱۳۷۹ مدیریت اخبار خارجی و داخلی را در صدا و سیما بر عهده داشتم. در همان



□ امام یک شخصیت بی نظیر بود و شما کسی را نمی‌شناسید که در فلسفه و عرفان حرف اول را بزند و در سیاست هم این همه حرف برای گفتن داشته باشد و در عرصه رسانه‌ها هم چنین عملکردی داشته باشد

سال با رایزنی‌هایی که دکتر خرازی (وزیر امور خارجه وقت) انجام داده بود مقدمات راه‌اندازی یک دفتر را در نیویورک و سازمان ملل فراهم کردم. سال ۱۳۷۹ به آمریکا رفتم و دفتر ایران را در سازمان ملل متحد تاسیس کردم. به لطف خداوند و کمک دوستانم توانستیم یک دفتر کوچک (۲ متر در ۲ متر) که چهار متر مربع فضا داشت راه‌اندازی کنیم. این دفتر مانند یک مغازه چهارنیش در بازار بود و برای ما ارزش بسیار زیادی داشت. در یازده سپتامبر من به اتفاق آقای خادم‌المله در نیویورک حضور داشتیم که آقای خادم‌المله مجبور بود همان روز به ایران برگردد. تنها خبرنگار ایرانی که از اول ماجرای یازده سپتامبر تا آخر آن در نیویورک حضور داشت من بودم. حدود پنج سال (تا اوایل سال ۱۳۸۴) در سازمان ملل و نیویورک حضور داشتم. در آن چند سال باب تازه‌ای از خبرنگاری برای من باز شد چرا که با مشکلات متعددی روبرو بودم. من فقط تا ۴۰ کیلومتری محدوده شهر حق تردد داشتم و نمی‌توانستم به جاهای دیگر بروم و اجازه حضور در برنامه‌های رسمی را نداشتم. با تجربه و اعتماد به نفسی که از دوران جنگ کسب کرده بودم اصلاً از آمریکایی‌هایی‌ها نمی‌ترسیدم و کارهای خودم را انجام می‌دادم. در آن دوران شاید بیش از ۳۰۰ گزارش اجتماعی تهیه کرده‌ام و در مورد حادثه ۱۱ سپتامبر تحلیل‌های کاملی ارائه کرده‌ام و به صورت علمی هم ثابت کردم که این حادثه کار خود آمریکایی‌هاست. آن موقع حتی بسیاری از خودی‌ها این موضوع را قبول نمی‌کردند اما الان بیش از ۷۰ درصد خود آمریکایی‌ها این موضوع را قبول دارند که حادثه ۱۱ سپتامبر کار غیر آمریکایی‌ها نبوده است. من جامعه آمریکایی را خیلی

خوب می‌شناسم و با آنها مراوده زیادی داشته‌ام. با افراد کوچکی و بازار و قشرهای مختلف زندگی کرده‌ام و فکر می‌کنم جامعه ایران یک جامعه پر قدرت‌تر از جامعه آمریکاست. اگر بخواهیم یک دسته‌بندی انجام دهیم عوامل مثبتی که در جامعه ایران وجود دارد از جمله تدین، تعهد، مهمان‌نوازی و... ویژگی خاصی به جامعه ما داده است. جامعه ما هیچ چیزی کمتر از جامعه آمریکایی ندارد هر چند که مردم آمریکا مردم خوبی هستند. تفاوت بین مردم آمریکا و دولت این کشور بسیار زیاد است.

حضور: با توجه به تخصص و تجربه ای که دارید بفرمایید رسانه‌ها در شکل‌گیری انقلاب اسلامی تا چه اندازه موثر بودند؟

نوباوه: آن چیزی که نقش رسانه‌ها را در جوامع کنونی پررنگ می‌کند پوشش و گسترش یک رسانه است. کاری که حضرت محمد(ص) در آخرین مراسم حج انجام داد و جهاز شترها را روی هم گذاشت و مسئله غدیر خم را مطرح کرد این خودش یک کار رسانه‌ای بود. امکانات آن موقع در آن حد بود و پیامبر به خوبی از آن استفاده کرد. امروزه فرد می‌تواند در خانه خود بنشیند و حرف خود را بزند و همه مردم جهان آن را بشنوند. در زمان امام خمینی و قبل از وقوع انقلاب اسلامی رسانه‌ها به اندازه کنونی گسترش پیدا نکرده بودند. در آن زمان رسانه‌ها نسبت به امروز پوشش بسیار کمی داشتند و در اختیار مردم هم نبودند. فقط گروه‌های خاصی از آن استفاده می‌کردند. رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها به طور کامل در اختیار رژیم بود و مردم به برخی رادیوهای بیگانه از جمله رادیو بی‌بی‌سی و رادیو مسکو دسترسی داشتند و این دو رادیو هم نقش هدایت مردم ایران را بر عهده نداشتند. در آن زمان حتی برخی مواقع امام به رادیو بی‌بی‌سی گوش می‌داد. رادیو بی‌بی‌سی در آن شرایط به گونه‌ای اخبار را منعکس می‌کرد که منافع آن رسانه‌ها حفظ شود و نمی‌توانست همه اخبار ایران را سانسور کند. با اینکه رژیم شاه نوکر آمریکا و انگلیس بود ولی رادیو بی‌بی‌سی برای حفظ مخاطبان خود برخی اطلاع‌رسانی‌های اندک را انجام می‌داد که بسیاری از آن اطلاع‌رسانی‌ها هم انحرافی بود. به اعتقاد من در سال‌های قبل از



□ در جایی که بزرگترین صحرای دنیاست و دورترین نقاط به ایران است و کمترین اطلاع‌رسانی از انقلاب و امام در آنجا شده بود اسم بچه‌های آنها خمینی بود. این موضوع نشان می‌دهد که نفوذ امام در جای جای دنیا یک نفوذ بسیار عمیق و معنوی است

انقلاب رسانه‌های رسمی در شکل‌گیری انقلاب اهمیت زیادی نداشت. ولی انقلاب اسلامی ایران از امکانات رسانه‌های مردمی برخوردار بود. به نظر من آن چیزی که در شکل‌گیری انقلاب موثرتر بود پیام‌رسان بود نه رسانه‌ها. پیام‌رسان اصلی انقلاب امام بود. از آنجا که مقبولیت زیادی نسبت به امام و بیانات و منویات ایشان در جامعه وجود داشت مردم به خوبی پیام امام را در جامعه منتقل می‌کردند. در شکل‌گیری انقلاب و توزیع پیام بین مردم، نوار کاست و اطلاعیه‌ها نقش به‌سزایی داشتند.

حضور: به نظر شما امام خمینی چه تاثیری بر روی رسانه‌های جهان گذاشت و خود امام تا چه اندازه از این رسانه‌ها برای شناخت بیشتر مردم جهان از انقلاب اسلامی استفاده کرد؟
نوباوه: امام یک شخصیت کاملاً سیاسی، مذهبی، عرفانی و معنوی بود. من امام را یک شخصیت جامع‌الشرایط می‌دانم. امام از نظر جامعه‌شناسی یک فرد بسیار آگاه بود و رسانه‌ها را خیلی خوب می‌شناخت و بسیار مطلع و هوشمند بود. وقتی که امام حرکت می‌کرد رسانه‌ها احساس می‌کردند که از امام عقب هستند. امام رسانه‌ها را به خودش جذب کرد. در آن شرایط رسانه‌ها برای انجام یک مصاحبه با هم مسابقه می‌دادند و همین مسابقه باعث انتشار بیشتر تفکرات امام در دنیا شد. وقتی که امام خمینی با یک هواپیمای فرانسوی جمبوجت ۷۴۷ به ایران می‌آید

شما فکر می‌کنید که چرا این اتفاق می‌افتد؟ چرا یک خلبان فرانسوی این مسئولیت را بر عهده می‌گیرد؟ چرا فرانسه همه امکانات را فراهم می‌کند که امام به ایران بیاید؟ آنها می‌دانستند که در پی این حرکت یک موفقیت وجود دارد. آنها می‌دانستند که اسم ایرفرانس در تاریخ انقلاب خواهد ماند. اسم آن خلبان فرانسوی در تاریخ انقلاب ثبت می‌شود و این موضوع در آینده می‌تواند برای این خلبان یک امتیاز محسوب شود. وقتی رسانه‌ها در مورد انقلاب و امام خبر پراکنی را شروع کردند که احساس کردند قافیه را باخته‌اند و از انقلاب عقب هستند. بیشترین حجم تبلیغاتی و انعکاس اخبار ایران و امام بعد از بازگشت امام از نوفل‌لوشاتو صورت گرفت. رادیو بی‌بی‌سی و صدای آمریکا تازه این کار را شروع کردند و حتی رادیو مسکو که به لحاظ کار رسانه‌ای بسیار ضعیف بود یک سری اخبار را قبل از انتشار در ایران منتشر می‌کرد که همه این شرایط، نتیجه رفتارها و سیاست‌های امام بود. امام هر روز حرف تازه‌ای می‌زد که این رسانه‌ها فکر می‌کردند برای تحلیل انقلاب باید این سخن جدید را منتشر کنند. این رسانه‌ها می‌خواستند سیاست امام را تحلیل کنند و بفهمند. زمانی که امام در مدرسه علوی مستقر شدند و سپس به قم رفتند همه حرف‌هایی که امام زدند گفته‌های کلیدی بود. رسانه‌ها فکر می‌کردند که باید از سیاست‌های اصلی امام زود مطلع شوند. آنها صحبت‌های امام را زود منعکس کرده و سپس تحلیل می‌کردند که همین انتشار مطالب باعث شناساندن انقلاب ایران به دنیا شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رادیو و تلویزیون ایران دیگر اسلامی شده بود و به طور کامل حوادث کشور را منعکس می‌کرد. به اعتقاد من امام باعث شد که یک جهش بزرگ رسانه‌ای در رسانه‌های ایران شکل بگیرد. قبل از ورود امام و پیروزی انقلاب، رادیو و تلویزیون ایران دچار یک رخوت شده بود که با پیروزی انقلاب این شرایط به طور کامل عوض شد. خبرنگاران خبرگزاری جمهوری اسلامی خدمت امام رفته بودند که امام به آنها گفته بود با مردم حرف بزنید و مسائل را با آنها در میان بگذارید. در سیستم رسانه‌ای به این حالت سیستم افشا می‌گویند. برای اینکه رفتار دشمن را خنثی کنید باید آن موضوع را افشا کنید. امام با زبان ساده این موضوع را به مردم ما آموزش می‌داد. امام حتی با دولتمردان هم به زبان ساده صحبت می‌کرد مثلاً به بنی‌صدر می‌گفت که این کار را نکن یا



چرا این کار را انجام می‌دهی؟ امام اصلاً با پشت‌گوشی و زیرمیزی هیچ موافق نبود و این موضوع تاثیر بسیار زیادی بر روی مردم داشت.

حضور: اولین فردی که توانست در مقابل کشور پر قدرتی مانند آمریکا بایستد و علیه آن کشور حرف بزند امام بود. به نظر شما این رفتارهای امام تا چه اندازه توانست بر روی ذهنیت مردم دنیا تاثیر مثبت داشته باشد و تا چه اندازه به شناساندن انقلاب و آرمان‌های ملت ایران در جهان کمک کرد؟

نوباوه: مقام معظم رهبری بحث جنگ نرم را مطرح کرده‌اند ولی قبل از جنگ نرم، قدرت نرم و نفوذ نرم مطرح است. به اعتقاد من اولین جنگ نرم را امام علیه آمریکا شروع کرد. امام گفت که آمریکا شیطان بزرگ است. این شیطان بزرگ به یک ضرب‌المثل معروف در خانواده‌های آمریکایی تبدیل شده است. قالب‌هایی مانند بسیج، حکومت پابره‌نه‌ها و مستضعفین در ایران ماندگار شده است. وقتی که آقای مورالس، رئیس‌جمهور بولیوی به ایران آمد و با آقای احمدی‌نژاد در یتیم‌خانه شرکت کرد گفت که الان می‌فهمم وقتی می‌گویند پابره‌نه‌ها و مستضعفین یعنی چه. این جمله آقای مورالس نشان می‌دهد که امام نفوذ نرم را با شناسایی عوامل نفوذ و قدرت نرم بسیار خوب می‌دانست. امام در آن شرایط گفت که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. این موضوع و این جمله معروف امام در آمریکا به طور فراگیر رایج شده و ۳۲ سال است که آمریکا در مقابل ایران هیچ غلطی نتوانسته بکند. امام به خوبی جنگ نرم علیه آمریکا را هدایت کرد. نفوذ ایران در جنگ نرم علیه آمریکا قدرتمندانه بود و رسانه‌ای نبود. این رفتارهای امام ناشی از شناخت وسیع وی بود. وقتی که امام می‌گفت نه شرقی نه غربی، یکی از سیاست‌های بسیار مهم دنیا که بعد از جنگ جهانی شکل گرفته بود و شوروی و آمریکا جهان را به دو قسمت شرق و غرب تقسیم کرده بودند بر ملا کرد. یکی از علت‌هایی که آمریکا و شوروی در جنگ رژیم بعث عراق با ایران علیه کشور ما متحد شده بودند همین بود ولی امام با این صحبت دست آمریکا و شوروی را رو کرد. امام گفت که در دوران جنگ سرد آمریکا و شوروی حتی یک گلوله هم به

سوی یکدیگر شلیک نکرده‌اند ولی نصف دنیا را درگیر جنگ کرده‌اند. اینکه می‌گوییم امام یک جامعه‌شناس جامعه‌الشرایط بود به همین دلیل است. همه سیاست‌های امام مبتنی بر علم سیاست و جامعه‌شناسی بود. امام یک شخصیت بی‌نظیر بود و شما کسی را نمی‌شناسید که در فلسفه و عرفان حرف اول را بزند و در سیاست هم این همه حرف برای گفتن داشته باشد و در عرصه رسانه‌ها هم چنین عملکردی داشته باشد. حرف‌هایی که امام در مورد رسانه‌ها زده مستکبران را به چالش می‌کشد که نشان‌دهنده آگاهی وی بود.

حضور: با توجه به اینکه جنابعالی چندین سال به عنوان خبرنگار واحد مرکزی خبر در کشورهای مختلف به ویژه کشور آمریکا حضور داشته‌اید مردم کشورهای دیگر تا چه اندازه با امام و تفکرات وی آشنا هستند؟

نوباوه: امام دارای دو جایگاه بود، یکی جایگاه عالمانه و دیگری جایگاه سیاسی و رهبری که دنیا امام را به عنوان یک رهبر آگاه می‌شناختند و من کمتر کسی را دیدم که باسواد و تحصیل کرده باشد یا آدم‌های معمولی که حداقل مسائل سیاسی را بدانند ندیدم که به امام جسارت کند. همه به امام به عنوان یک شخصیت سیاسی طراز اول نگاه می‌کردند. وقتی که به میان رهبران سیاسی سایر کشورها می‌رفتیم آنچنان به امام به دیده احترام نگاه می‌کردند که امام چقدر آگاه است و چقدر مسائل جهانی را خوب می‌شناسد. وقتی که امام افشاگری می‌کند و افشاگری‌های وی درست از آب درمی‌آید این نشان می‌دهد که امام از یک جایگاه بسیار علمی و منطقی در دنیا برخوردار است. سال ۱۳۵۹ حدود یک سال و نیم بعد از وقوع انقلاب اسلامی یک سفر به جبهه پلیساریو در صحرای باختری داشتم، جایی که با کشور مغرب در جنگ بودند. بعد از چهار ساعت صحرانوردی به یک ولایت به نام "ولایت سیماره" رسیدیم که چند صد نفر آدم در کنای چند چاه آب زندگی می‌کردند و ۹۰ در صد آنها زن و بچه بودند و چند پیرمرد هم با آنها زندگی می‌کردند. من دیدم که در مراودات خود آنها می‌گویند خمینی، خمینی و من فکر کردم که اینها در تجلیل از امام این حرف‌ها را می‌زنند اما بعداً متوجه شدم که این افراد بچه‌های خودشان را با نام



خمینی صدا می‌زنند. در این سفر وزیر خارجه پلیساریو هم با ما بود و شب هنگام به ملاقات با محمد عبدالعزیز که دبیر کل جبهه پلیساریو بود رفتیم. من با دکتر ولایتی بودم و از مقامات آن کشور سؤال کردم که چرا آنها (مردم ولایت سیماره) همدیگر را با اسم خمینی صدا می‌زنند؟ آن مقام مسئول گفت که اسم بچه‌های آنها خمینی است. با اینکه فقط یک سال و نیم از عمر انقلاب گذشته بود آنها اسم خمینی را برای بچه‌های خود انتخاب کرده بودند و حتی اسم بچه‌هایی را که سه یا چهار سال سن داشتند عوض کرده بودند و اسم خمینی را بر روی آنها نهاده بودند. در جایی که بزرگترین صحرای دنیاست و دورترین نقاط به ایران است و کمترین اطلاع‌رسانی از انقلاب و امام در آنجا شده بود اسم بچه‌های آنها خمینی بود. این موضوع نشان می‌دهد که نفوذ امام در جای جای دنیا یک نفوذ بسیار عمیق و معنوی است. چه دلیلی داشت که مردم جبهه پلیساریو، مردمی که حتی غذای خوردن نداشتند اسم بچه خود را خمینی بگذارند؟

هر دو وجه رهبری و سیاسی و وجه علمی واقعیتهای بود که از امام به یادگار مانده است. امروزه کمتر کسی پیدا می‌شود که حرکت‌های انقلابی در جهان را بدون یاد و نام امام ذکر کند. این جمله معروف مقام معظم رهبری که می‌فرماید "انقلاب اسلامی در هیچ جای جهان بی نام خمینی شناخته شده نیست" یک بحث کاملاً علمی است. مگر می‌شود صحبت از یک حرکت انقلابی شود و امام را نشناسند؟ مگر می‌شود امام را به عنوان یک عامل اصلی و مبدع حرکت‌های ضد استکباری نشناسند؟ قبل از امام حرکت ضد استکباری معنا نداشت. سال‌ها بود که اسم استکبار خاموش شده بود. این امام بود که استکبارستیزی را در دنیا معنا کرد. با قاطعیت می‌گویم که اولین صفحات تاریخ هزاره سوم را در دنیای جدید به نام ایران، به نام امام خمینی و به نام انقلاب اسلامی می‌دانند. اولین صفحات تاریخ هزاره سوم را مردم ایران و با دست امام خمینی ورق زدند که این بزرگترین افتخار برای ما می‌باشد و الان هم متوجه آن نیستیم. یقیناً با بیش از چند دهه و احتمالاً پس از گذشت یک صد سال نام ایران با رهبری امام به عنوان یک حرکت ضد استکباری که تغییرات بنیادین در بشریت ایجاد کرده ثبت خواهد شد. به اعتقاد من ما هنوز امام را به خوبی نشناخته‌ایم و قطعاً امام در آینده بیشتر شناخته خواهد شد و نقش امام مانند نقش ائمه و پیامبران بعد از گذشت سال‌ها مشخص خواهد شد.

حضور: به نظر شما انقلاب اسلامی و حرکت تاریخی حضرت امام خمینی و ظلم‌ستیزی وی چه تاثیری بر سایر کشورها و حرکت‌های آزادی‌خواهانه در سراسر جهان دارد؟ حرکت مردم مصر و تونس تا چه اندازه متأثر از انقلاب اسلامی است؟

نوباوه: به نظر من کافی است که از مردم این کشورها از جمله مردم مصر و تونس این سؤال پرسیده شود. اگر از یک مصری در مورد امام سؤال کنید چه خواهد گفت؟ اگر از وی پرسید که امام خادم اسلام بود یا نه چه جوابی می‌دهد؟ من به کشور تونس سفر کرده‌ام. کشور تونس کشوری است که استکبار و دولت‌های غربی خواسته بودند آن را صددرصد غربی کنند ولی اولین حرکت مردم آن پس از خلع رییس‌جمهور برگزار نماز جمعه بود. این حرکت بدین معناست که



تألمات روحی و درونی آنها ناشی از نبود اسلام در آن کشور است. مردم این کشورها همگی به امام به عنوان یک عنصر ضد استکبار و احیاگر اسلام چشم دوخته‌اند. مثلاً در مصر همه نگاههای اخوان المسلمین که چندین شاخه هستند به امام است حتی در دانشگاه الازهر به امام به عنوان یک مرد بزرگ و یک مسلمان واقعی که ضد استکبار است نگاه می‌کردند. قطعاً در این کشورها ممانعت دیکتاتوریزم وجود داشت. استکبار جهانی با صرف هزینه‌های هنگفت سعی می‌کرد که جلوی آگاهی مردم این کشورها را بگیرد و امثال حسنی مبارک را حفظ کند. آن ممانعت باعث شد که انقلاب در این گونه کشورها مقداری به تاخیر بیفتد. من هیچ شکمی ندارم و با قاطعیت به شما می‌گویم که همه انقلاب‌های اخیر در کشورهای عربی از جمله مصر و تونس متأثر از انقلاب اسلامی ایران است. این جریان‌ها و آگاهی نسل بشر از انقلاب ایران تأثیر پذیرفته است. آیا افکار و اندیشه‌های ما در طی ۳۲ سال گذشته مقبول جهان اسلام بوده یا خیر؟ اگر مقبول بوده مانند حمایت از فلسطین، متأثر از اندیشه‌های امام و مردم ایران بوده است. احیاگر فلسطین امام بود و الا فلسطین بعد از یاسر عرفات از بین رفته بود و الان در یک باریکه کوچک مانند غزه چندین هزار انسان می‌توانند علیه یک دولت تا دندان مسلح قیام کنند و بگویند که آخر خط ما شهادت است. خط شهادت را چه کسی زنده کرد؟ این امام بود که این خط را زنده کرد و ملت ایران آن را احیا کرد.

ممکن است نوع رفتارها و هدف‌های مردم کشورهای دیگر با رفتارها و اهداف مردم ایران تفاوت‌هایی داشته باشد ولی نظر من این است که خط آزادی خواهانه یکی است. مثلاً در جریان انقلاب مصر مردم به سربازان مصری گل می‌دادند و همان کاری را کردند که ما کردیم. امام هیچ وقت فرمان حمله به ارتش را صادر نکرد. "ارتش برادر ماست خمینی رهبر ماست" از شعارهای اصلی مردم بود. این نوع رفتار و نگرش باعث شد که ارتش که علیه مردم بود تغییر رویه داد و علیه شاه حرکت کرد. در مصر هم همین حرکت اتفاق افتاد. در تونس علی‌رغم اینکه مردم را سرکوب می‌کنند اما مردم به نیروها تعرض نمی‌کنند. به نظر من خط انقلاب یک خط ابداعی و استخراجی نبود و خط انبیاء بود. همان کاری که خدا به حضرت رسول و انبیاء فرمان داده بود. این خط خطی

است که ملهم از یک تفکر سالم است. امام توانست این خط را شفاف کند. به نظر من با وجود اینکه حدود بیست و یک سال از رحلت جانسوز امام خمینی می‌گذرد امام هنوز زنده است. مطمئن باشید نگاه مردم کشورهایی که اخیراً علیه دولت‌های خود دست به قیام زده‌اند از جمله مردم کشورهای یمن، اردن، مصر و تونس یک نگاه بسیار دقیقی نسبت به انقلاب ایران دارند. دلیل اصلی این موضوع این است که بعد از گذشت ۳۲ سال انقلاب ایران به عنوان یک رفرنس و یک نمونه و یک آدرس موفق ظاهر شده است. با آمریکا جنگیده‌ایم و تن به سازش نداده‌ایم، بزرگترین پیشرفت‌های علمی را به دست آورده‌ایم، ملتی مستقل هستیم و از همه کشورهای اسلامی جلوتر هستیم که این مورد اخیر بسیار مهم است. در مقابل همه توطئه‌ها با تأسی به اسلام ایستادگی کرده‌ایم و این یک آبروی بزرگ است. اگر امروز از مردم مصر سؤال کنند که برای چه قیام کرده‌اید جواب می‌دهند که مثل مردم ایران قیام کرده‌ایم. خود آقای البرادعی در چند جلسه خصوصی گفته بود من افتخار می‌کنم به ایرانی‌ها که تا این حد پیشرفت کرده‌اند و اینگونه برای استحقاق حق خود ایستادگی می‌کنند. شاید این خواست خدا بود که یک الگوی موفق را به این کشورهای اسلامی نشان دهد تا اگر کسی از آنها سؤال کند که چرا می‌خواهید با آمریکا بجنگید بگویند می‌خواهیم مانند ایران شویم. ایران امروزه به عنوان یک الگوی موفق در بین کشورهای جهان به ویژه کشورهای اسلامی مطرح است. امام ثابت کرد که در همه زمینه‌ها می‌توانیم بر روی پای خودمان بایستیم. به نظر من امروزه هر حرکت مثبتی که در جهان به خصوص در کشورهای اسلامی صورت می‌گیرد یک فاتحه به روح امام است و یک درود بر شخصیت امام، چرا که کلمات امام یکی یکی در حال محقق شدن است. امام حتی در مورد حکومت مصر صحبت کرد و گفت که روزی این حکومت دچار اضمحلال خواهد شد و امپراطوری‌های آنها از بین خواهد رفت. ما الان شاهد هستیم که این جمله امام به صورتی بسیار زیبا در حال محقق شدن است. مردم این کشورها از جمله مصر و تونس به شرق و غرب وابسته نیستند و تکیه بر منطق و اسلام دارند و هیچ تکیه‌ای بر اسلحه ندارند.



□ به اعتقاد من ما هنوز امام را به خوبی نشناخته‌ایم و قطعاً امام در آینده بیشتر شناخته خواهد شد

□ همه انقلاب‌های اخیر در کشورهای عربی از جمله مصر و تونس متاثر از انقلاب اسلامی ایران است

حضور: با توجه به اینکه حدود سه سال از مجلس شورای اسلامی در دوره هشتم می‌گذرد به نظر شما عملکرد مجلس در طی این مدت تا چه اندازه رضایت‌بخش بوده است؟

نوباوه: وقتی که می‌خواهیم در مورد عملکرد یک مجموعه صحبت کنیم حتماً باید آمار و ارقام داشته باشیم ولی در خصوص مقایسه کلی این مجلس با مجالس قبلی راحت‌تر می‌توان صحبت کرد. اگر نخواهیم خیلی علمی صحبت کنیم و به طور اجمالی و کلی بخواهیم قضاوت کنیم باید گفت که موفقیت این مجلس کمتر از مجالس قبلی نبوده و حتی در برخی موارد از مجالس قبلی موفق‌تر عمل کرده است. تاریخ تحولات انقلاب اسلامی در طی سه دهه اخیر متغیر بوده است. برخی مواقع مجلس خیلی سیاسی بوده و برخی مواقع مجلس گرایش اقتصادی داشته و برخی مواقع هم خیلی فرهنگی بوده است. ما زمانی مجلس هشتم را آغاز کردیم که به شدت با استکبار جهانی مشکل داشتیم. در آن زمان بحث انرژی هسته‌ای بسیار مطرح بود و قدرت‌های استکباری به شدت با ما برخورد می‌کردند. دولت نهم در زمینه انرژی هسته‌ای با ایستادگی در مقابل غربی‌ها و اثبات حقانیت ما عملکرد خوبی داشت و مجلس با دولت در این خصوص بهترین همکاری را کرد. به نظر من همکاری مجلس هشتم با دولت نهم و دهم مثال زدنی است.

موضوع دیگر درباره عملکرد مجلس بحث اقتصادی است. ما شاهد یک معماری تازه در اقتصاد ایران هستیم. این معماری تازه نیاز به ساز و کار قانونی دارد. مجلس شورای اسلامی برای

اجرای این معماری تازه بیشترین همکاری را با دولت داشته است برای اینکه این ساز و کار کامل شود. همه بدنه تخصصی مجلس در این زمینه کمک لازم را کرده است و همسو با دولت قدم برداشته است. به نظر من شروع این طرح (هدفمند کردن یارانه‌ها) برای کشور یک موفقیت به شمار می‌رود. همه دولت‌ها می‌خواستند این کار را انجام دهند ولی موفق نبودند. دولت شجاعانه عمل کرد و در شب انتخابات این موضوع را مطرح کرد در حالی که می‌توانست آن را مطرح نکند چرا که برای دولت وجهه منفی داشت. دولت می‌خواست نشان دهد که بحث هدفمندی یارانه‌ها یک وسیله برای سوءاستفاده نیست و آن را در بدترین شرایط مطرح کرد. در آن شرایط لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها در مجلس در دست بررسی بود و مجلس هم خیلی خوب با آن برخورد کرد. به اعتقاد من طرح این مسئله یک موفقیت برای نظام اسلامی است و برای نسل‌های آینده این کشور یک معماری جدید از یک منطق اقتصادی خواهد بود. نقطه عطف مجلس هشتم در هدفمند کردن یارانه‌ها تبلور پیدا کرد. البته برنامه پنجم توسعه هم که چند ماه پیش در مجلس بررسی شد یک نقطه عطف در همکاری مجلس با دولت بود.

حضور: از نظر جنابعالی نقاط قوت و ضعف مجلس هشتم چیست؟

نوباوه: به نظر من نقطه ضعف و قوت مجلس را باید در مقایسه با مجلس‌ها دید. در طی چند باری که خدمت مقام معظم رهبری رسیده‌ایم بارها به این نکته اشاره کرده‌اند که دو وظیفه اصلی مجلس که قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قانون است تا حدی متاسفانه مخدوش شده است. در قانون‌گذاری مجلس عملکرد خوبی داشته هر چند که قوانین غیر ضروری هم داریم ولی مجلس هشتم در امر نظارت مقداری ضعف دارد. وظایف فرعی مجلس از جمله توقعات بی‌جا از مجلس به خصوص از نمایندگان شهرهای کوچک باعث شده که بسیاری از نمایندگان وقت زیادی از روز را صرف رتق و فتق امور جاری که اصلاً جزء وظایف آنها نیست کنند. از جمله این امور نامربوطه می‌توان به انتقال دانشجو، گرفتن وام و پیدا کردن کار اشاره کرد. این امور به مقدار زیادی نمایندگان مجلس را از رسیدگی به امور اصلی دور کرده است. متاسفانه حتی برخی اوقات



□ در جریان انقلاب مصر، مردم به سربازان مصری گل می‌دادند و همان کاری را کردند که ما کردیم. امام هیچوقت فرمان حمله به ارتش را صادر نکرد

حب و بغض‌هایی به خاطر همین مسائل نامربوط به امور نمایندگی ایجاد می‌شود که در سؤال از وزراء یا استیضاح اعضای کابینه بروز پیدا می‌کند در حالی که اصل و اساس مجلس این است که ما قانون‌گذار خوبی باشیم. بر اساس اصل صریح قانون اساسی هر نماینده از هر جایی از کشور که انتخاب می‌شود نماینده کل مردم ایران است. ما باید به مسائل کشور به صورت ایران‌شمول نگاه کنیم در حالی که الان شرایط اینگونه نیست.

یکی دیگر از نقاط ضعف مجلس هشتم این است که مطالعات کارشناسانه در مورد وضع قوانین، صددرصد کامل نیست. مطالعه صورت می‌گیرد ولی آسیب‌شناسی آینده آن قانونی که قرار است وضع شود کم است. با توجه به منابع و ظرفیت‌ها برخی اوقات قوانینی وضع می‌شود که ممکن است در آینده برای ما مشکلاتی را ایجاد کند.

حضور: امام خمینی همواره در صحبت‌های خود به نقش مردم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی تأکید کرده اند. با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی حال حاضر کشور، ارزیابی شما از میزان حضور مردم در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی چیست و فکر می‌کنید کدام یک از گروه‌های سیاسی شانس بیشتری در انتخابات اسفند آینده خواهند داشت؟

نوباوه: من فکر می‌کنم که امام خمینی همه مطالب را گفته‌اند. از نظر امام اساس حکومت بدون حضور مردم معنا ندارد و حکومت بدون حضور مردم دیکتاتوری است. انقلاب ما ثابت کرده که مردم ما حاضرترین مردم در صحنه هستند. دلیل این ادعا هم برگزاری ۳۰ انتخابات موفق از اول انقلاب تا کنون می‌باشد. به نظر من هیچ دغدغه‌ای از حضور مردم ایران در عرصه‌های

سیاسی و اجتماعی در هیچ شرایطی وجود ندارد. ما در حداقل شرایط حضور مردم از حداکثر حضور مردم سایر کشورها جلوتر هستیم. در انتخابات اخیر ۸۰ درصد حضور، یک چیز خارق‌العاده بود. با توجه به رشد جمعیت در کشور، جوان بودن جمعیت - حدود ۶۰ درصد کشور جمعیت جوان است - و رشد میزان باسوادی، مردم به آگاهی کافی رسیده‌اند. به اعتقاد من در شرایط کنونی حضور یا عدم حضور مردم در صحنه دیگر معنا ندارد. انتخابات مال مردم است و مردم باید حاضر باشند و همیشه هم حاضر هستند. به نظر من انتخابات آینده مجلس یک انتخابات منطقی بر اساس روال سال‌های گذشته خواهد بود. اینکه ما چگونه انتخاب کنیم موضوعی است که همیشه به عنوان دغدغه جامعه مطرح بوده است. جامعه باید خارج از هیاهو افراد را بشناسد و دست به اقدام بزند. امروزه نمی‌توانیم بگوییم که فرد انقلابی است یا ضد انقلاب. ما امروزه اصلاً ضد انقلاب نداریم و برخی افراد هستند که ضد سلاقی هستند و در جامعه فقط اختلاف سلیقه وجود دارد. آنکه ضد انقلاب است خارج نشین است. این گونه افراد معاند و منافق هستند و با اصل نظام مخالف هستند. در جریان فتنه مشخص شد که دست برخی افراد با غربی‌ها در یک کاسه است. باید در جامعه این ظرفیت وجود داشته باشد که اگر فردی عملکرد خوبی نداشته باشد و مردم وی را کنار گذاشتند آن فرد ناراحت نشود. مثلاً امروز مردم به نوباوه رای می‌دهند و شاید فردا رای ندهند. وجود این ظرفیت‌ها در جامعه دارای ارزش است. به نظر من جامعه ما یک جامعه با ظرفیت است و این ظرفیت جزء سرمایه‌های انقلاب است. من در این سه سال ندیده‌ام که حتی یک بار بین اعضای طیف اکثریت و طیف اقلیت مجلس حرف‌هایی که نباید مطرح شود مطرح شود. همین طیف اقلیت از بسیاری از لوایح دولت به خوبی دفاع و حمایت می‌کند. وقتی که بحث عدم اجرای لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها توسط دولت مطرح شد همه طیف اقلیت رای دادند که این لایحه باید اجرا شود.

حضور: بعد از رأی یکپارچه طیف اقلیت در خصوص لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها این شائبه در بین برخی سیاستمداران مطرح شده بود که طیف اقلیت با پافشاری بر اجرای این لایحه



□ از نظر امام، اساس حکومت بدون حضور مردم معنا ندارد و حکومت بدون حضور مردم دیکتاتوری است

قصده دارد که دولت دهم با اجرای این لایحه، مواجه با شکست شود. تحلیل شما در این زمینه چیست؟

نوباوه: اینکه این ایده وجود داشته باشد که اقلیت دوست داشته باشد طرح هدفمندی یارانه‌ها اجرا شود و دولت زمین بخورد من فکر می‌کنم که این فکر ممکن است در ذهن برخی افراد کوتاه‌فکر مطرح شود. ما نباید اقلیت مجلس را اینگونه فرض کنیم که منافع ملی را نمی‌شناسند. من با بسیاری از افراد اقلیت مجلس هشتم که صحبت می‌کنم این حرف واقعیت ندارد. آخرین حرف آقای خاتمی در زمان ریاست جمهوری این بود که من با حسرت ریاست جمهوری را ترک می‌کنم به این دلیل که پرونده هدفمند کردن مصرف انرژی در کشور هنوز روی میز من باقی مانده است. این موضوع حتی به عنوان یک هدف قطعی برای اصلاح‌طلبان هم مطرح بود و آنها نمی‌توانستند به سادگی از کنار آن بگذرند. امروزه همه گروه‌های سیاسی می‌دانند که نحوه دخل و خرج ما، در کشور منطقی نیست و همه به این موضوع رسیده‌اند. اگر اقلیت هم در حاکمیت قرار داشت آنها هم مجبور بودند اقتصاد کشور را اصلاح کنند. مگر می‌شود همیشه نفت کشور را فروخت و به جای آن نان خرید و جلو گاوها ریخت؟ در شرایط قبلی یک سوم سوخت کشور از مرزها قاچاق می‌شد و حتی آرد را هم از کشور خارج می‌کردند. با یک برنامه‌ریزی زیبا و اصولی الان همان پول در دست مردم قرار می‌گیرد و آردی که قبلاً کیلویی هفت تومان بود و مقدار زیادی از آن از طریق مرزها خارج می‌شد دیگر قاچاق نمی‌شود. زمانی اقلیت موفق در مجلس خواهیم داشت که نگاه به منافع ملی ما کامل باشد. اگر اقلیت سیاسی ما مانند مردم و مانند طیف اکثریت مجلس منافع

ملی کشور را خوب شناخت و قانون اساسی را خوب اجرا کرد قطعاً موفقیت کشور ما بیشتر می‌شود. من یک روز در آمریکا به یکی از اهالی آن کشور گفتم که تفاوت بین جمهوری خواهان و دموکرات‌ها چیست؟ وی جواب داد که هیچ فرقی با هم ندارند و تفاوت آنها مانند تفاوت بین پیسی کولا و کوکاکولا است. مردم پس از گذشت چند سال از یک حزب خسته می‌شوند و یا امکان دارد گروهی خوب کار نکند در این شرایط حزب سیاسی دیگر جایگزین حزب حاکم می‌شود و همه این تغییرات با حفظ منافع ملی آمریکا صورت می‌گیرد. اقلیت و اکثریت در کشور ما باید به این مرحله از آگاهی برسد که جز هدف حفظ منافع ملی جمهوری فکری وجود نداشته باشد. این شرایط به معنای پارادوکس نیست و وجود اقلیت و اکثریت نباید به معنای تعارض تلقی شود.

به نظر من این یک نوع حماقت سیاسی است که یک آدم قانون کشور خودش را قبول نداشته باشد. قانون اساسی میثاق یک کشور است. حتی یک آمریکایی هم قانون اساسی ما را قبول دارد و ما هم متقابلاً قانون اساسی آمریکا را قبول داریم. دولت آمریکا به خاطر اهمیت قانون است که اینقدر تلاش می‌کند که مجلس شورای اسلامی قانون ان پی تی را قبول کند چرا که دولت آمریکا نمی‌تواند مردم ایران را مورد خطاب قرار دهد. در دیپلماسی عمومی تمامی تلاش آنها بر این است که دولت و مردم را از هم جدا کنند. هیچ نظامی حتی متخاصم و مخاصم نمی‌تواند به مردم حمله کند. به نظر شما چه کسی عکس امام را پاره کرد؟ چه کسی اصول اساسی را که امام به آن اعتقاد داشت زیر پا گذاشت؟ پس مشخص می‌شود افرادی که این تحرکات را پیگیری کردند جزء اقلیت نبودند و دشمن انقلاب هستند. من اقلیت آگاه و منطقی را برای کشور ضروری می‌دانم و وجود آن در هر حکومتی لازم است.

حضور: ارزیابی جنابعالی از وضعیت گروههای سیاسی در کشور برای انتخابات سال

آینده چیست؟ شانس پیروزی چه گروههایی را بیشتر می‌دانید؟

نوباوه: ما شاهد هستیم که اقلیت که به اصلاح طلبان معروف هستند در حال بازسازی خودشان



□ در ۳۰ سال کار خبرنگاری همیشه سعی کرده‌ام که سمت مردم باشم، همانگونه که حضرت امام همیشه در سمت مردم قرار داشت. در مجلس هم سعی کرده‌ام بدون توجه به منافع شخصی، مطالبات مردم را پیگیری کنم

هستند. مثلاً آقای کواکبان که مسئولیت حزب مردم‌سالاری را بر عهده دارد اعلام کرد که ما اصلاح‌طلبان پیرو ولایت‌فقیه هستیم. این به چه معناست؟ آنها متوجه شده‌اند که در داخل جبهه اصلاح‌طلب جبهه ضد ولایت‌فقیه هم وجود دارد. این طیف با نام جدید همان منویات را با حفظ منافع نظام دنبال می‌کنند. به نظر من این یک تلاش منطقی است و نشان می‌دهد که درون جبهه اصلاح‌طلب‌ها یک جریان‌اتی در حال شکل‌گیری است و افراد عقلای طیف اقلیت خودشان را کنار می‌کشند. به نظر من آن افرادی که تحت عنوان اصلاح‌طلب در جامعه مشهور بودند تا حدود زیادی وجهه خودشان را از دست داده‌اند و این افراد موفقیتی نخواهند داشت. اگر تفکر اصلاح‌طلبی با این شرط که خودش را از جریان‌ات فتنه کنار بکشد و اعلام موجودیت کند باز هم می‌تواند آن شور و حال گذشته را با درصد کمتر در جامعه ایجاد کند.

حضور: انگیزه اصلی شما از حضور در انتخابات مجلس هشتم چه بود؟

نوباوه: در ابتدا شرایط جسمی من این اجازه را به من نمی‌داد که بتوانم در عرصه نمایندگی فعالیت کنم اما برای شروع کار استخاره کردم و قبل از آن هم با اشخاص زیادی مشورت کردم. متأسفانه یکی از مشکلات مجلس ما پیگیری نشدن کارها به شکل تخصصی در انتخابات است. اگر ما نماینده را به شکل تخصصی در نظر داشته باشیم و اینکه در هر کمیسیون به چه تعداد افراد با تخصص‌های لازم نیاز داریم موفق‌تر خواهیم بود. من از همان اوایل مجلس هشتم مسئله فرهنگی

را در نظر داشتم و مهمترین مسئله و دغدغه نظام را مسئله فرهنگی می‌دانستم و به همین دلیل با هدف کاملاً فرهنگی وارد شدم. در شروع به کار مجلس هشتم وقتی که کمیسیون فرهنگی به من پیشنهاد شد با وجود اینکه در کمیسیون‌های دیگر از جمله کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی و کمیسیون اقتصادی می‌توانستم فعالیت کنم اما با اشتیاق کمیسیون فرهنگی را پذیرفتم. از همان اول کار به سراغ بزرگان فرهنگی کشور و مجلس رفتم و مطالعات زیادی در این خصوص داشتم. شخصیت من از ابتدا یک شخصیت فرهنگی بود و طی این سه سال تا حدود زیادی به اهداف خودم نزدیک شده‌ام. الان خیلی خوشحال هستم که در کمیسیون فرهنگی حضور دارم.

حضور: با توجه به اینکه جنابعالی مدافع و متخصص رسانه‌ها در کشور هستید و از آنجا که در کمیسیون فرهنگی حضور دارید تا کنون در این باره چه فعالیت‌هایی داشته‌اید؟
نوباوه: دو طرح خیلی مهم در کمیسیون فرهنگی مطرح است که یکی طرح اداره صدا و سیماست و مسئولیت آن بر عهده اینجانب است. این طرح مورد نظر مقام معظم رهبری بوده و در حال بررسی آن هستیم. طرح دیگر طرح جمع رسانه‌هاست که در کمیته رسانه کمیسیون فرهنگی مطرح است.

نحوه اداره صدا و سیما در حال حاضر مبهم است. در اصل ۱۷۵ قانون اساسی انتصاب رییس سازمان صدا و سیما به مقام معظم رهبری واگذار شده اما نحوه اداره آن مشخص نیست. با توجه به فضای مجازی رسانه‌ها و تعریف تازه‌ای از رسانه‌ها که با تعاریف قبلی متفاوت است طرح جامع رسانه‌ها یکی از مهمترین و ضروری‌ترین نیازهای فضای رسانه‌ای کشور است. این طرح، هم از حقوق شهروندان محافظت می‌کند و هم از حقوق رسانه‌ها. نحوه رسیدگی به تخلفات رسانه‌ها مشخص شده است. من افتخار می‌کنم که در کمیسیون فرهنگی مسئولیت هر دو طرح را بر عهده دارم و از خدا می‌خواهم که بتوانم به خوبی بر روی آنها کار کنم.

حضور: آیا در انتخابات آینده مجلس شرکت می‌کنید؟



□ من جواب بسیاری از سؤالات خودم را در کتاب معاد امام پیدا می‌کنم، سؤالاتی که تا کنون جواب آنها را پیدا نکرده بودم

□ اگر بخواهیم به جامعه اسلامی خدمت کنیم باید امام را در ابعاد علمی و اسلامی به خوبی معرفی کنیم

نوباوه: اگر در آینده بینم که حضور من با توجه به شرایط موجود برای مجلس مفید است در انتخابات شرکت خواهم کرد ولی اگر افرادی بهتر از من حضور داشتند کناره‌گیری خواهم کرد تا افراد بهتر از من وارد مجلس شوند. فضای رسانه‌ای و فضای مجلس برای من یکسان است چرا که در هر دو فضا بحث مطالبات مردم مطرح است. در ۳۰ سال کار خبرنگاری همیشه سعی کرده‌ام که سمت مردم باشم همانگونه که حضرت امام همیشه در سمت مردم قرار داشت. در مجلس هم سعی کرده‌ام بدون توجه به منافع شخصی مطالبات مردم را پیگیری کنم.

حضور: در باره لزوم آگاهی از اندیشه‌های حضرت امام، اشاره ای داشتید. بفرمایید خود شما تا چه اندازه آثار امام را مطالعه کرده اید و تا چه اندازه با ابعاد شخصیتی امام آشنایی دارید و در زمینه ترویج بهتر و مؤثرتر اندیشه‌های آن حضرت چه نظر یا پیشنهادی دارید؟

نوباوه: با توجه به اینکه نقش رهبری و قدرت سیاسی حضرت امام در جامعه اسلامی برای همگان ثابت شده این جنبه از امام یک سایه بسیار بزرگ را بر جنبه و شخصیت علمی وی انداخته است. یکی از مظلومیت‌های امام این است که شخصیت علمی وی حتی در جامعه خودش در حاشیه قرار گرفته است. من مدت‌هاست که بر روی شخصیت علمی امام کار می‌کنم و کتاب‌های امام را مطالعه می‌کنم. بعد از رحلت امام وقتی که همگان اولین بیت از دیوان اشعار وی را شنیدند

متحیر شدند. ما باورمان نمی‌شد که امام یک فرد با احساس باشد. وقتی که سر و صلاة یا فلسفه امام را می‌خوانید متوجه می‌شوید که امام از بسیاری از شخصیت‌های حاضر در زمان خودش از نظر علمی و شناخت اسلام جلوتر است که این موضوع در محاق و در سایه قرار گرفته است. اگر بخواهیم به جامعه اسلامی خدمت کنیم باید امام را در ابعاد علمی و اسلامی به خوبی معرفی کنیم. وقتی که اشعار امام به اشعار بزرگان شعر، شانه می‌زند نشان می‌دهد که امام قدرت هنری بسیار زیادی داشته است. در بحث رسانه‌ای باید تفکرات امام در جنگ نرم بررسی شود. ما نیاز داریم که بعد از گذشت دو دهه از رحلت امام نسبت به بازشناسی شخصیت امام اقدام کنیم. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی زحمت‌های زیادی کشیده است اما در این زمینه دو پیشنهاد دارم. لازم است آثار امام به صورت مجلدهای کوچک، جیبی، خلاصه و همه فهم تهیه شود، همان کاری که مؤسسه صدرا در خصوص آثار شهید مطهری می‌کند در مورد امام هم انجام شود. وزارت آموزش و پرورش و وزات علوم هم باید حالا که بحث بازنگری در علوم انسانی مطرح شده از افکار و اندیشه‌های امام در کتاب‌های درسی استفاده کنند. من جواب بسیاری از سئوالات خودم را در کتاب معاد امام پیدا می‌کنم، سئوالاتی که تا کنون جواب آنها را پیدا نکرده بودم. این ظلمی است که به امام شده و ما کمتر وی را می‌شناسیم. متأسفانه سایه سیاسی امام بر سایه علمی وی سنگینی می‌کند و باعث شده که امام را خوب نشناسیم. اگر خانواده امام و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در این زمینه بهتر فعالیت کند بار بزرگی از دوش افرادی که عاشق امام هستند برداشته است. پیشنهاد دیگر من این است که در سایت‌هایی مانند تبیان، آثار امام به صورت فصل فصل ترجمه و در این سایتها قرار گیرد تا همه افراد در جهان بتوانند از اندیشه‌های امام استفاده کنند و بیشتر با تفکرات و اندیشه‌های وی آشنا شوند. جهان اسلام امروزه شدیداً تشنه اندیشه‌ها و تفکرات ناب امام است.

مصاحبه کننده: سید مسعود حسینی

